



پای صحبت و نتورث میلر، بازیگر «فرار از زندان»

ضرورت همکاری بازیگر با فیلمنامه‌نویس‌ها



مهمکامه درودی
مترجم

سریال «فرار از زندان» با پیچ و خم‌های دراماتیک و پیش‌بینی نشده خود و داستانی هیجانی و معمایی، توانست تبدیل به یکی از پربیننده‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی در تاریخ فعالیت قاب جادو شود. در کنار داستانی پرمزوراز

با چرخش‌های غیرمتعارف، بازی بازیگران سریال هم از جمله چیزهایی بوده که مورد توجه تماشاگران قرار گرفته که در راس آنها باید از بازی یکدست و جاندار، و نتورث میلر در نقش کاراکتر محوری ماجرا مایکل اسکافیلد یاد کرد. به باور منتقدان تلویزیونی، بازیگر با خلق جذاب این شخصیت در مقابل دوربین یکی از آیگون‌ها و شخصیت‌های جاودان تاریخ قاب کوچک را خلق کرد. این هنرمند انگلیسی تبار که

در بروکلین بزرگ شده، بازیگری خودساخته است که بدون حمایت از سوی کسی توانست در قالب یکی از به یادماندنی‌ترین کاراکترهای تلویزیونی ایفای نقش کند. شاید برای او چندان راحت نباشد که روبه‌روی خبرنگاران قرار گرفته و به پرسش‌های متعدد آنها پاسخ دهد اما آرامش خاطر او در طول مصاحبه هم مثل بازی‌اش در مقابل دوربین فرار از زندان، مثال‌زدنی است.



شهرت چیز خوبی است و

همه ما می‌خواهیم که دیده

شویم و مورد توجه باشیم

اما خیلی زود این موضوع

تبدیل به دردسر می‌شود



۴ در هر فصل از سریال، داستان آن دست به نوعی احیا و بازسازی می‌زند. به عنوان یک بازیگر چه سودها و ضررهایی بابت این موضوع کردید؟ این تفاوت موجود در داستان و روابط کاراکترها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نکته اساسی و جالب در رابطه با سریال همین است که به شدت جالب و جذاب است. شما به اکثر مجموعه‌ها که نگاه می‌کنید، می‌بینید در فصل‌های مختلف از همان فرمول همیشگی خود استفاده می‌کنند و نوعی تکرار در آنها وجود دارد. این نکته ضربان کار را گرفته و آن را در ورطه تکرار می‌اندازد. چیزهایی به تماشایی ارائه می‌شود که قبلاً گفته شده و ضرورتی برای تکرار دوباره‌شان وجود ندارد. این مسئله باعث خالی شدن فصل‌های جدید و بعدی این نوع سریال‌ها می‌شود. چنین حالتی وجود چشم‌اندازهای تازه برای بازیگران را هم لغو می‌کند. تفاوت فرار از زندان با بقیه کارها در همین نکته است. شما در هر فصل تازه با نکات تازه‌ای روبه‌رو می‌شوید که در فصل‌های قبلی نبوده و بنابراین، بازیگران هم با چیزها و اتفاقات تازه‌ای روبه‌رو می‌شوند که به خاطر آنها باید تفاوت‌هایی در بازی‌شان داشته باشند. با چنین رویکردی کاملاً موافقم و بنابراین بازی‌ام برای این تغییرات راحت است. در میان فصل‌های مختلف سریال، دو فصل اول و سوم را بیشتر می‌پسندم، زیرا کاراکترم در آنها واقعی‌تر و عریان‌تر است و از نظر فیزیکی جای زیادی برای کار داشتم. فصل دوم کاراکترم با یک تغییر اساسی روبه‌رو شد اما

آن دو فصل را بیشتر از فصل دوم دوست دارم. در فصل دوم چندان اکتیو نبودم و به نوعی در کنار مسائل قرار داشتم. این موضوع یک جورهایی دست و پای مرا بسته بود و برای نمایشی که تا آن زمان ۶۷ اپیزودش پخش شده بود، چیز چندان خوبی نبود.

۴ آیا از نحوه تکمیل، گسترش و تحول کاراکتر مایکل در سریال و همچنین تغییرات شخصیتی او در چهار فصل مجموعه راضی بودید؟

احساسات مخلوطی درباره تحول و گسترش کاراکترم دارم. در ابتدای کار کاملاً مشخص بود که من یک نقش خیلی ویژه و خاص در داستان دارم. فکر می‌کنم مایکل کسی است که پیوسته در طول ماجرا، مسائل را برای تماشاگران توضیح داده و می‌شکافد. اوست که برای بیننده روشن می‌کند که این اتفاق چه بوده، آن اتفاق قرار است چه چیزی را روشن و مشخص کند، حالا قرار است چه اتفاقی بیفتد و... مایکل آدمی پرانرژی است و داستان را به جلو می‌برد. شغل و وظیفه اوست که فرار از زندان را نگه می‌دارد و محور ماجراهاست. در یک کلام، او متعادل‌کننده کاراکترهای داستان به حساب می‌آید.

۴ کدام صفت و مشخصه مایکل را خودتان دارید؟

فکر کنم حس وفاداری او. در آغاز فصل سوم به نویسندگان سریال گفتم: «لطفاً در مورد مایکل این موضوع را برجسته نکنید که می‌خواهد زنده بماند، زیرا او بیشتر به فکر زنده ماندن بقیه هست تا خودش.» او کسی است که می‌خواهد برای بقیه ایثار و از خودگذشتگی کند و به این موضوع کاملاً وفادار است. زمانی که جان دیگران در خطر

است، این فقط مایکل است که رفتاری پرخاشگرانه دارد و نسبت به حفظ جان بقیه خودش را مسئول می‌داند.

۴ بعد از پخش سریال در کوچه و خیابان راحت تردد می‌کنید؟

اصلاً! شهرت چیز خوبی است و همه ما می‌خواهیم که دیده شویم و مورد توجه باشیم. اما خیلی زود این موضوع تبدیل به دردسر می‌شود و شما آرزو می‌کنید که ای کاش کسی شما را نمی‌شناخت و راحت می‌توانستید این طرف و آن طرف بروید. هواداری را می‌توانم مثال بزنم که هر روز خودش را به مکانی می‌رساند که در آن قهوه می‌خورم. چیز ساده‌ای مثل خوردن یک قهوه برایم تبدیل به کابوسی بزرگ شد! مجبور شدم مکان قهوه‌خوری‌ام را عوض کنم.

۴ آیا در کار نگارش شخصیت مایکل و تحولات مربوط به آن دخالتی هم داشتید و نظراتی می‌دادید؟

در کل نویسندگان فیلمنامه با همه بازیگران درباره نقش‌های‌شان صحبت و گفت‌وگو می‌کردند و این موضوع اختصاص به من تنها نداشت. در ابتدای کار نویسندگان فیلمنامه را از ما دور نگه داشته بودند. آنها در اتاق کوچکی فرسنگ‌ها دور از صحنه فیلمبرداری می‌نشستند و فیلمنامه را می‌نوشتند. اما خیلی زود معلوم شد این شیوه کار جواب نمی‌دهد و سوراخ‌هایی در داستان و کاراکترها وجود داشت که همکاری نزدیک‌تر فیلمنامه‌نویسان با اعضای گروه را می‌طلبید. داستان فرار از زندان یک داستان معمولی و خطی نبود و پیچیدگی‌های درونی آن، همکاری نزدیک نویسندگان با کاراکترهایی را که آنها خلق کرده بودند ضروری می‌کرد. تهیه‌کنندگان سریال همان روزهای ابتدایی کار متوجه این نکته مهم شدند که بعضی چیزهایی که نویسندگان می‌نوشتند، سر صحنه فیلمبرداری امکان و ظرفیت فیلمبرداری ندارد و باید به گونه دیگری نوشته و کار شود. خوشبختانه فیلمنامه‌نویس‌ها به ما بازیگران اعتماد کردند و حاصل این اعتماد، بهتر و جذاب‌تر شدن داستان و کاراکترهای آن بود.